

رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت از منظر فردی و زوجی

The Relationship Between Attachment Dimensions and the Big-Five Factors of Personality from the Dyadic and Individual Approaches

P. Nilforooshan ✉

S. A. Ahmadi, Ph.D.

M. Fatehizadeh, Ph.D.

M. R. Abedi, Ph.D.

V. Ghasemi, Ph.D.

پریسا نیل‌فروشان ✉

دانشجوی دکترا مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان

دکتر سیداحمد احمدی

استاد گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر مریم فاتحی‌زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر محمدرضا عابدی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر وحید قاسمی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۲/۴

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۱۸

Abstract

Attachment Theory and the Big-Five Factors of Personality exhibit commonalities in explaining individual differences. There is a sizeable amount of research which studied the relationship between attachment dimensions and personality factors. The purpose of this research was to study the simple correla-

چکیده:

نظریه‌های دلبستگی و پنج عامل بزرگ شخصیت در تبیین تفاوت‌های فردی، ویژگی‌های مشترکی دارند. تحقیقات مختلفی رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیتی را بررسی کرده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی همبستگی ساده ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیتی، و نیز بررسی رابطه

✉Corresponding author: Dept. of Counseling, Isfahan University, Isfahan, Iran.
Tel: +98311-7932515
Email: panilfo@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: اصفهان، خیابان هزارجریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۱۵

پست الکترونیک: panilfo@yahoo.com

tion between attachment dimensions and personality factors, the relationship between attachment dimensions and personality factors at the individual level, and also the relationship between attachment dimensions and self-personality, spouse's personality, and spouse's attachment dimensions at the couple level. The population of this research included Isfahani couples. The sampling method was available selection. From this population 180 available married persons (90 couples) were selected. The ECR-R and the NEO-FFI were used to collect the required data. To analyze the data, descriptive analysis, simple correlation, and hierarchical regression analysis (stepwise) were used. The results showed that there is a significant positive relationship between attachment anxiety and self neuroticism, spouse's neuroticism, and spouse's attachment dimensions. Also there is a significant negative relationship between attachment anxiety and spouse's extraversion. Attachment avoidance has a negative relationship with self extraversion, agreeableness, and conscientiousness and spouse's extraversion. The relationship between attachment avoidance and spouse's attachment dimensions is positive and significant. At the individual level, attachment anxiety is explained mainly by neuroticism. And attachment avoidance is explained by extraversion and agreeableness. At the couple level, attachment anxiety is predicted by self neuroticism and spouse's attachment avoidance respectively. Attachment avoidance is predicted by self extraversion, spouse's attachment anxiety, and spouse's extraversion. In general, it can be concluded that attachment dimensions are individual and relational characteristics.

KeyWords: Adult Attachment, Attachment Anxiety, Attachment Avoidance, Personality, Big-Five Factors.

ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت در سطح فردی و در سطح زوجی بود. جامعه پژوهش شامل همسران ساکن در شهر اصفهان بود که از این جامعه ۱۸۰ نفر (۹۰ زوج) به صورت در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) و پرسشنامه پنج عاملی نئو (NEO-FFI) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های توصیفی از ضریب همبستگی ساده و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام استفاده شد.

نتایج نشان داد که اضطراب دلبستگی با روان‌رنجوری خود، روان‌رنجوری همسر، و ابعاد دلبستگی همسر، رابطه مثبت معنادار و با برون‌گرایی همسر رابطه منفی معنادار دارد. اجتناب دلبستگی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی خود، و برون‌گرایی همسر رابطه منفی، و با ابعاد دلبستگی همسر رابطه مثبت معنادار دارد. در سطح فردی اضطراب دلبستگی عمدتاً توسط روان‌رنجوری خود، و اجتناب دلبستگی توسط برون‌گرایی و توافق‌پذیری تبیین می‌شود. در سطح زوجی اضطراب دلبستگی به ترتیب توسط روان‌رنجوری خود و اجتناب دلبستگی همسر پیش‌بینی می‌شود. همچنین اجتناب دلبستگی به ترتیب توسط برون‌گرایی خود، اضطراب دلبستگی همسر، و برون‌گرایی همسر تبیین می‌گردد. به‌طور کلی ابعاد دلبستگی هم جزء ویژگی افراد و هم جزء ویژگی رابطه است.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی بزرگسالان، اضطراب دلبستگی، اجتناب دلبستگی، شخصیت، پنج عامل بزرگ شخصیت

مقدمه

برخی افراد در رابطه نزدیک خود، از نزدیکی و وابستگی احساس راحتی می‌کنند در حالی که برخی دیگر وقتی همسرشان به دنبال صمیمیت است، عصبی می‌شوند. همچنین برخی افراد احساس می‌کنند که همسرشان در مواقع لزوم از آن‌ها حمایت و مراقبت می‌کند در حالی که برخی دیگر از ترک شدن می‌ترسند. امروزه نظریه دلبستگی یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین‌فردی است. نظریه دلبستگی بزرگسالان در واقع بسط نظریه دلبستگی است که بالبی و اینسورث^۱ در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۱ برای تبیین تفاوت‌های فردی شناخت، احساس، و رفتار در بافت روابط نزدیک بزرگسالی و نوجوانی ارائه کردند. بر اساس این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک دلبستگی ناشی از تجارب افراد در روابط نزدیک قبلی است و با روابط دلبستگی بین فرزند و مراقبان اولیه شروع می‌شود (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳).

امروزه برای مفهوم‌سازی تفاوت‌های فردی در دلبستگی بزرگسالان به جای تیپ‌شناسی، دو بعد پیوستاری، به عنوان زیربنای پراکندگی در سبک دلبستگی بزرگسالان معرفی شده است. فرض بر آن است که اندازه‌های چند بعدی^۲ دقیق‌تر و رواتر از اندازه‌های طبقه‌ای^۳ است. طرح چند بعدی که در سال ۱۹۹۰ توسط بارتولومیو^۴ ارائه شد، دو بعد اصلی را معرفی می‌کند: اضطراب دلبستگی^۵ (یا مدل خود) و اجتناب دلبستگی^۶ (یا مدل همسر^۸) که چهار سبک دلبستگی بزرگسالی را تعیین می‌کند (فریلی و شیور، ۲۰۰۰؛ فریلی، والر و برنان، ۲۰۰۰؛ میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳؛ نوفل و شیور، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷). عامل اول یعنی اضطراب دلبستگی به اضطراب در مورد طرد^۹، ترک شدن^{۱۰} و دوست داشتنی نبودن^{۱۱} (نوفل و شیور، ۲۰۰۶) مربوط است و عبارت است از گرایش و نیاز شدید به نزدیک بودن، مورد پذیرش واقع شدن، حمایت شدن، و مطمئن شدن از جانب نمادهای دلبستگی (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸) و نشان می‌دهد فرد تا چه حد از این‌که همسرش در مواقع مورد نیاز در دسترس نباشد، نگران است (وینگاردز دو میچ و همکاران، ۲۰۰۷). عامل دوم به اجتناب از صمیمیت و وابستگی مربوط می‌شود (نوفل و شیور، ۲۰۰۶) و نشان‌دهنده گرایش به ناراحتی از نزدیک بودن، خودافشایی احساسات، و بیان آسیب‌پذیری و وابستگی در روابط است (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸). اجتناب دلبستگی نشان می‌دهد که فرد تا چه حد در رابطه با همسرش ناراحت است و می‌خواهد که اقتدار خود را حفظ کرده و از لحاظ هیجانی از همسرش فاصله بگیرد (وینگاردز دو میچ و همکاران، ۲۰۰۷).

از سویی دیگر تفاوت‌های فردی ممکن است حاصل شخصیت و صفات ژنتیکی باشد که تأثیر زیادی بر افکار، احساسات، و رفتارهایی از جمله گرایش به اضطراب و نگرانی دارد (دونلن، بارت، لوندوسکی، کلامپ، ۲۰۰۸). پنج عامل بزرگ شخصیت یعنی روان‌رنجوری^{۱۲}، برون‌گرایی^{۱۳}، تجربه‌گرایی^{۱۴}، توافق‌پذیری^{۱۵} و وجدان‌گرایی^{۱۶} مبنای نظری محکم و جامعی را برای تبیین تفاوت‌های

بین‌فردی شخصیتی فراهم می‌کند (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹). با آن‌که بافت نظری این دو سازه کاملاً با هم متفاوت است به طوری که نظریه دلبستگی از درون روان تحلیلی سنتی رشد کرده (شیور و میکالینسر، ۲۰۰۵) و نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت از رویکرد توصیف و واژگان شخصیت پدید آمده (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۹)، با این حال این دو نظریه ویژگی‌های مشترک زیادی دارند. به‌ویژه هر دو نظریه، پراکندگی نظام‌مند موجود در الگوهای واکنش وابسته به موقعیت را توصیف می‌کنند. از طرف دیگر نظریه شخصیت بر تبیین پراکندگی‌های منظم در شناخت، عاطفه، و رفتار افراد در موقعیت‌ها و حوزه‌های رفتاری گوناگون تأکید دارد، در حالی که تأکید بیشتر نظریه دلبستگی بر فرایندهایی است که در روابط بین‌فردی نزدیک رخ می‌دهد. تلفیق این دو الگو اهمیت دارد (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸). بنابراین بسیار منطقی است که رابطه بین متغیرهای مختلف که در مورد تفاوت‌های فردی معرفی می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرد (نوفل و شیور، ۲۰۰۶).

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که بین اضطراب دلبستگی با روان‌رنجوری رابطه مثبت، و با برون‌گرایی رابطه منفی وجود دارد (شافر، ۲۰۰۱؛ بیکستروم و هولمز، ۲۰۰۱؛ گالو، اسمیت، و رویز، ۲۰۰۳؛ نوفل و شیور، ۲۰۰۶؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۸). در حالی که اکثر تحقیقات نشان داده که اضطراب دلبستگی با تجربه‌گرایی رابطه‌ای ندارد، نوفل و شیور (۲۰۰۶) و دونلن و همکاران (۲۰۰۸) رابطه منفی اندکی نشان داده‌اند. در برخی تحقیقات بین اضطراب دلبستگی و توافق‌پذیری رابطه منفی (بیکستروم و هولمز، ۲۰۰۱؛ گالو و همکاران، ۲۰۰۳؛ نوفل و شیور، ۲۰۰۶؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۸) و در برخی دیگر رابطه‌ای بدست نیامده است (شافر، ۲۰۰۱). در تحقیقات مذکور وجدان‌گرایی با اضطراب دلبستگی رابطه منفی نشان داده است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اجتناب دلبستگی با روان‌رنجوری، رابطه مثبت و با برون‌گرایی و توافق‌پذیری رابطه منفی دارد (شافر، ۲۰۰۱؛ بیکستروم و هولمز، ۲۰۰۱؛ گالو و همکاران، ۲۰۰۳؛ نوفل و شیور، ۲۰۰۶؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۸). تجربه‌گرایی و وجدان‌گرایی معمولاً با اجتناب دلبستگی رابطه نداشته‌اند با این حال بیکستروم و هولمز (۲۰۰۱) و نوفل و شیور (۲۰۰۶) رابطه بین اجتناب دلبستگی و تجربه‌گرایی را منفی، و نوفل و شیور (۲۰۰۶)، و دونلن و همکاران (۲۰۰۸) رابطه اجتناب دلبستگی و وجدان‌گرایی را منفی گزارش کرده‌اند.

به منظور بررسی دلیل زیربنایی ارتباط این دو سازه، دونلن و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از روش‌های ژنتیک رفتاری دریافته‌اند که بیشتر همپوشی بین دلبستگی بزرگسالان و پنج عامل بزرگ شخصیت به عوامل ژنتیکی مشترک بین این دو سازه مربوط است. بر اساس نظریه دلبستگی بزرگسالان (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۷) عوامل محیطی نیز در ایجاد تفاوت‌های فردی دلبستگی بزرگسالان نقش دارند و هم‌چنین بیشترین عوامل محیطی تأثیرگذار، در سطح خاص شخصی^{۱۷} اتفاق می‌افتند. به عبارت دیگر تجارب متفاوتی که افراد در روابط نزدیک دارند بخش

عمده‌ای از عوامل محیطی است که بر دلبستگی بزرگسالان تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب با آن که نظریه دلبستگی به‌طور ضمنی، الگوهای فعال درونی را در طی دوره زندگی تا حد زیادی ثابت می‌داند، ولی عوامل اجتماعی متفاوتی نیز بر الگوهای فعال درونی در نقاط مختلف رشدی تأثیرگذارند. در این تحقیق انتظار می‌رود که در سطح فردی، نتایجی مشابه با تحقیقات قبلی در زمینه رابطه دلبستگی و عوامل بزرگ شخصیت بدست آید. هم‌چنین همان‌طور که سیبلی و اوورال (۲۰۰۸) نیز مطرح می‌نمایند برای آن که بتوان به درک کاملی از درجات و پویایی‌های رفتار دلبستگی دست یافت به الگویی یکپارچه نیاز است که در آن هم بازنمایی‌های مربوط به زمینه خاص ارتباطی و هم سیستم شخصیتی وسیع‌تر در نظر گرفته شود. اگر در تحلیل‌ها تعاملات دوتایی لحاظ شده و هر دو همسر در تعامل با یکدیگر در نظر گرفته شوند می‌توان به نتایجی دست یافت که کاربرد نظری و عملی قوی دارند. بنابراین مهم‌ترین هدف این پژوهش آن است که رابطه دلبستگی و پنج عامل بزرگ شخصیت را از منظر روابط زوجی همسران بررسی کند. بدین ترتیب شخصیت خود فرد و نیز شخصیت و ابعاد دلبستگی همسر، به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های ابعاد دلبستگی مطرح می‌شوند. شخصیت و ابعاد دلبستگی همسر به عنوان عوامل محیطی مربوط به زمینه خاص ارتباطی در نظر گرفته می‌شوند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همسران ساکن در شهر اصفهان که حداقل شش‌ماه از ازدواج آن‌ها گذشته، است. از آن‌جا که برای هر متغیر که در تحلیل رگرسیون وارد می‌شود اندازه نمونه را باید حداقل به میزان ۱۵ نفر افزایش داد (گال، بورگ، و گال، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۴)، از این جامعه، نمونه‌ای با حجم ۱۸۰ نفر (۹۰ زوج) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای نمونه‌گیری به همایش‌هایی که در نقاط مختلف سطح شهر اصفهان برگزار می‌شد مراجعه و همسرانی که داوطلب شرکت در پژوهش بودند، انتخاب شدند. در دستورالعمل پرسشنامه، ضمن ارائه راهنمایی‌های لازم به این نکته اشاره شد که افراد در صورت تمایل می‌توانند نام و نام‌خانوادگی خود را ذکر نمایند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک: در این تحقیق از پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک^{۱۸} (ECR-R) (فریلی و همکاران، ۲۰۰۰) استفاده شد. فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، ویژگی‌های چند مقیاس دلبستگی را با یکدیگر مقایسه کردند و دریافتند که ECR از ویژگی‌های روان‌سنجی بهتری برخوردار است. با این حال نشان دادند که با استفاده از

نظریه سؤال - پاسخ^{۱۹} (IRT)، می‌توان با انتخاب آیتم‌هایی که ویژگی‌های روان‌سنجی آن‌ها بهینه است، ECR را بهبود بخشید. فریلی و همکاران (۲۰۰۰) خزانه‌ای کامل از ۳۲۳ آیتمی را که توسط برنان و همکاران در سال ۱۹۹۸ جمع‌آوری شده را مدنظر قرار دادند. این خزانه شامل آیتم‌های گوناگونی بود که از رویکردهای نظری دل‌بستگی فراهم شده بود. سپس با انجام تحلیل خوشه‌ای، ۳۰ خوشه از آیتم‌های هموزن بدست آمده و آن‌گاه با انجام تحلیل عوامل، دو عامل اضطراب و اجتناب استخراج شد. تحلیل‌های عاملی بر روی هر عامل انجام شد و در نهایت ۱۸ آیتم برای هر مقیاس در نظر گرفته شد به طوری که بیشترین ضریب همبستگی با آن عامل، و نیز بالاترین ضریب تمیز را داشته باشند. نکته جالب توجه آن بود که ۷۲٪ آیتم‌های مقیاس اضطراب (۱۳ آیتم از ۱۸ آیتم) در مقیاس اضطراب ECR و ۳۹٪ آیتم‌های مقیاس اجتناب (۷ آیتم از ۱۸ آیتم) در مقیاس اجتناب ECR مشترک بودند. بدین ترتیب از آن جایی که بین آیتم‌های جدید و آیتم‌های ECR همپوشی وجود داشت، فریلی و همکاران (۲۰۰۰) این دو مقیاس ۱۸ آیتمی جدید را پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) نامیدند. فریلی و همکاران (۲۰۰۰) و سیبلی، فیشر، و لیو (۲۰۰۵) در بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه به دو عامل اضطراب و اجتناب دست یافتند که با مبانی نظری مطابق بود. همچنین این دو عامل با یکدیگر رابطه معنادار نشان داده‌اند (سیبلی و همکاران، ۲۰۰۵؛ سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸). نیلفروشان، احمدی، فاتحی‌زاده، عابدی و قاسمی (۱۳۸۹) با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، دو عامل مجزا و مرتبط اضطراب و اجتناب را برای این پرسشنامه گزارش کردند.

ECR-R که پرسشنامه‌ای ۳۶ آیتمی در مورد دل‌بستگی بزرگسالان است برای هر یک از ابعاد اضطراب و اجتناب دارای ۱۸ آیتم می‌باشد. آیتم‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱ = کاملاً مخالف تا ۷ = کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. آیتم‌های ۱ تا ۱۸ به مقیاس اضطراب و آیتم‌های ۱۹ تا ۳۶ به مقیاس اجتناب مربوط است. آیتم‌های ۹، ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتر اضطراب و اجتناب‌اند. با محاسبه میانگین نمرات ۱۸ آیتم در هر بعد می‌توان به نمره ابعاد اضطراب و اجتناب دست یافت. بدین ترتیب حداقل نمره اضطراب و اجتناب مرتبط با دل‌بستگی ۱ و حداکثر ۷ است. از نمره میانگین این ابعاد می‌توان برای طبقه‌بندی شرکت‌کنندگان در طبقات چهارگانه دل‌بستگی استفاده کرد.

فرچایلد و فینی (۲۰۰۶) نشان دادند که هر یک از مقیاس‌های اضطراب و اجتناب از همسانی درونی بالایی برخوردارند به طوری که ضریب آلفا برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲، و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۳ بوده است. سیبلی و اوورال (۲۰۰۸) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ گزارش کردند. بطلانی (۱۳۸۷) همسانی درونی را برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲

و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۱ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی برای اضطراب و اجتناب دل‌بستگی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ بدست آمد.

تحقیقات نشان‌دهنده که مقیاس‌های اضطراب و اجتناب ECR-R از ثبات بالایی برخوردار هستند به طوری که فریلی و همکاران (۲۰۰۰) با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب پایایی ۰/۹۴ را برای مقیاس اضطراب، و ضریب پایایی ۰/۹۵ را برای مقیاس اجتناب گزارش کردند. سیلی و همکاران (۲۰۰۵) نیز با بازآزمایی سه هفته‌ای، ضریب پایایی مقیاس اضطراب را ۰/۹۲ و ضریب پایایی مقیاس اجتناب را ۰/۹۰ گزارش کردند. در پژوهش حاضر بر روی ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بازآزمایی سه هفته‌ای اجرا شد و ضریب پایایی ۰/۹۱ برای مقیاس اضطراب و ۰/۹۳ برای مقیاس اجتناب بدست آمد.

پرسشنامه پنج عاملی نئو: یکی دیگر از ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه پنج

عاملی نئو^{۲۰} (NEO-FFI) بود که از آن برای سنجش ابعاد شخصیتی استفاده شد. پرسشنامه پنج عاملی نئو مقیاس مختصری برای سنجش پنج عامل اساسی شخصیت است (مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴). این پرسشنامه دارای ۶۰ آیتم است که ابعاد پنج‌گانه شخصیت بهنجار را می‌سنجد. این پنج بعد عبارتند از روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی. هر بعد شامل ۱۲ آیتم است. از آزمودنی خواسته می‌شود که با توجه به درکی که از خودش دارد میزان موافقت یا مخالفت خود را بر روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت مشخص کند (۱= کاملاً مخالف، ۵= کاملاً موافق). نمرات بالاتر نشان‌دهنده روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی بیشتری هستند.

مک‌کرا و کاستا (۲۰۰۴) نیز به منظور بررسی روایی NEO-FFI همزمان از مقیاس NEO-PI-R استفاده کرده و ضریب روایی ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۴، ۰/۷۱، و ۰/۷۷ را به ترتیب برای عوامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی گزارش کردند. در این پژوهش نیز به منظور بررسی روایی همگرا، آزمودنی‌ها همراه با NEO-FFI به فرمی شامل ۱۵ صفت شخصیتی (سه صفت برای هر عامل) که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای تنظیم شده بود، پاسخ گفتند. سپس همبستگی ۵ عاملی با این صفات محاسبه شد. ضرایب روایی به ترتیب به شرح زیر بدست آمد: روان‌رنجوری (۰/۶۹) $(p < 0/001)$ ، برون‌گرایی (۰/۶۴) $(p < 0/001)$ ، تجربه‌گرایی (۰/۵۲) $(p < 0/001)$ ، توافق‌پذیری (۰/۵۷) $(p < 0/001)$ ، و وجدان‌گرایی (۰/۴۲) $(p < 0/003)$.

پایایی بازآزمایی دو هفته‌ای NEO-FFI بالا بوده و برای پنج مقیاس از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴). عطاری، امان‌الهی‌فرد، و مهربانی‌زاده هنرمند (۱۳۸۵) پایایی این آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۶۴ نفر به فاصله دو هفته برای عوامل N، E، O، A، و C به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰، و ۰/۸۲ گزارش کردند.

پژوهش‌های مختلف از ضریب آلفای کرونباخ برای نشان دادن همسانی درونی این ابزار استفاده کرده‌اند. اشمیتز، هارتکمپ، بالدینی، و رولنیک (۲۰۰۱) برای پنج عامل N ، E ، O ، A ، و C ، به ترتیب آلفای کرونباخ را $۰/۸۵$ ، $۰/۸۰$ ، $۰/۷۱$ ، $۰/۷۱$ ، و $۰/۷۱$ گزارش کردند. کیامهر (۱۳۸۱) ضریب $۰/۷۹$ ، $۰/۷۳$ ، $۰/۴۲$ ، $۰/۵۸$ ، و $۰/۷۷$ را به ترتیب برای عوامل N ، E ، O ، A ، و C گزارش کرده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ $۰/۷۶$ ، $۰/۶۳$ ، $۰/۳۱$ ، $۰/۴۸$ ، و $۰/۸۱$ برای این عوامل به ترتیب محاسبه شد.

یافته‌ها

میانگین سن نمونه $۳۲/۷۷$ (انحراف معیار= $۰/۸۰$)، میانگین سنی آقایان $۳۴/۶۴$ (انحراف معیار $۹/۶۸$) و میانگین سنی خانم‌ها $۳۰/۹۷$ سال (انحراف معیار= $۷/۵۰$) بود. میانگین طول مدت ازدواج همسران $۱۰/۴۶$ سال (انحراف معیار $۸/۴۰$) و میانگین تعداد فرزندان $۱/۱۵$ (انحراف معیار $۱/۰۹$) بود. جدول ۱ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت را برای زنان، مردان و نیز کل نمونه نشان می‌دهد. در جدول ۲ ضرایب همبستگی عوامل شخصیت فرد، عوامل شخصیت همسر، و ابعاد دلبستگی همسر، با ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی ارائه شده است. اضطراب دلبستگی با روان‌رنجوری خود، روان‌رنجوری و برون‌گرایی همسر، و ابعاد دلبستگی همسر (اضطراب و اجتناب) رابطه معنادار دارد. همچنین اجتناب دلبستگی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی خود، روان‌رنجوری، و برون‌گرایی همسر، و ابعاد دلبستگی همسر (اضطراب و اجتناب) رابطه معنادار دارد.

جدول ۱: میانگین، و انحراف معیار عوامل پنجگانه شخصیت و

ابعاد دلبستگی به تفکیک جنسیت

	اضطراب دلبستگی	اجتناب دلبستگی	روان‌رنجوری	برون‌گرایی	تجربه‌گرایی	توافق‌پذیری	وجدان‌گرایی		
میانگین	۳/۳۱	۳/۲۳	۳۴/۵۰	۴۰/۵۷	۳۷/۸۲	۴۲/۸۸	۴۷/۲۶	زنان	
انحراف معیار	۱/۱۹	۰/۹۵	۸/۱۸	۵/۵۷	۴/۵۶	۴/۹۸	۶/۰۹		
میانگین	۳/۱۱	۲/۵۸	۳۱/۱۷	۴۲/۷۴	۳۷/۵۴	۴۰/۹۹	۴۷/۲۵	مردان	
انحراف معیار	۱/۰۳	۰/۹۴	۶/۳۹	۵/۶۵	۴/۲۷	۴/۸۸	۷/۳۶		
میانگین	۳/۲۱	۲/۴۰	۳۲/۸۳	۴۱/۶۶	۳۷/۸۳	۴۱/۹۳	۴۷/۲۵	کل	
انحراف معیار	۱/۱۲	۰/۹۶	۷/۵۰	۵/۶۹	۴/۴۰	۵/۰۰	۶/۷۳		

جدول ۲: ضرایب همبستگی ساده بین ابعاد دل‌بستگی با عوامل شخصیت فرد،

عوامل شخصیتی همسر، و ابعاد دل‌بستگی همسر

اجتناب دل‌بستگی		اضطراب دل‌بستگی		ویژگی‌های خود و همسر	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۰	روان‌رنجوری	عوامل شخصیت فرد
۰/۰۰۰۱	-۰/۳۸	۰/۰۶	-۰/۱۶	برون‌گرایی	
۰/۴۴	۰/۰۷	۰/۹۶	-۰/۰۰۴	تجربه‌گرایی	
۰/۰۱	-۰/۳۲	۰/۰۶	۰/۱۶	توافق‌پذیری	
۰/۰۴	-۰/۱۸	۰/۰۹	-۰/۱۴	وجدان‌گرایی	
۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۲۰	روان‌رنجوری	عوامل شخصیت همسر
۰/۰۰۵	-۰/۳۴	۰/۰۲	-۰/۲۰	برون‌گرایی	
۰/۷۱	-۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۰۴	تجربه‌گرایی	
۰/۹۷	-۰/۰۰۳	۰/۱۷	-۰/۱۷	توافق‌پذیری	
۰/۶۸	-۰/۰۴	۰/۲۲	-۰/۱۰	وجدان‌گرایی	
۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۲۹	اضطراب دل‌بستگی	ابعاد دل‌بستگی همسر
۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	اجتناب دل‌بستگی	

برای انجام تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام برای اضطراب دل‌بستگی، عوامل شخصیت فرد در یک بلوک و ویژگی‌های همسر (شامل عوامل شخصیت و ابعاد دل‌بستگی) در بلوک دیگر قرار داده شد. در جدول ۳ نتایج این تحلیل نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود از بین عوامل شخصیتی خود فرد، روان‌رنجوری می‌تواند اضطراب دل‌بستگی را به‌طور معنادار پیش‌بینی کند. از بین ویژگی‌های فردی همسر (عوامل شخصیت و ابعاد دل‌بستگی) تنها اجتناب دل‌بستگی همسر است که اضطراب دل‌بستگی فرد را به‌طور معنادار پیش‌بینی می‌کند. بر اساس نتایج، ۱۷٪ واریانس اضطراب دل‌بستگی توسط روان‌رنجوری فرد و ۱۵٪ آن توسط اجتناب دل‌بستگی همسر تبیین می‌شود.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (عوامل شخصیتی خود و ویژگی‌های همسر)

با اضطراب دل‌بستگی به روش گام به گام

ملاک	مدل	متغیر پیش‌بین	R	R2	P	F	P	Beta	T	P
اضطراب دل‌بستگی	۱	روان‌رنجوری خود	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۰۰۰	۵/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰	۴/۳۵	۰/۰۰۰
	۲	روان‌رنجوری خود اجتناب دل‌بستگی همسر	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۰۰۰	۱۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵	۴/۲۲	۰/۰۰۰
								۰/۴۰	۵/۳۷	۰/۰۰۰

برای انجام تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام برای اجتناب دلبستگی، عوامل شخصیت فرد در یک بلوک و ویژگی‌های همسر (شامل عوامل شخصیت و ابعاد دلبستگی) در بلوک دیگر قرار داده شد. در جدول ۴ نتایج این تحلیل نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که اجتناب دلبستگی به‌طور معنادار توسط برون‌گرایی خود فرد، اضطراب دلبستگی همسر، و برون‌گرایی همسر پیش‌بینی می‌شود. با آن‌که در سطح فردی، توافق‌پذیری می‌تواند در ترکیب با برون‌گرایی، اجتناب دلبستگی را پیش‌بینی نماید ولی در سطح زوجی، در ترکیب با اضطراب دلبستگی و برون‌گرایی همسر قدرت پیش‌بینی خود را از دست می‌دهد. برون‌گرایی و توافق‌پذیری فرد ۲۰٪، اضطراب دلبستگی همسر ۱۲٪ و برون‌گرایی همسر ۴٪ واریانس اجتناب دلبستگی را به‌طور معنادار پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (عوامل شخصیتی خود و ویژگی‌های همسر) با اجتناب دلبستگی به روش گام به گام

پ	t	Beta	p	F	p	R2	R	متغیر پیش‌بین	مدل	ملاک
۰/۰۰۰	-۴/۵۵	-۰/۴۳	۰/۰۰۰	۶/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰	۰/۴۴	برون‌گرایی خود	۱	اجتناب دلبستگی
۰/۰۱	-۲/۵۳	-۰/۲۰	۰/۰۰۰				توافق‌پذیری خود			
۰/۰۰۰	-۴/۱۹	-۰/۳۶	۰/۰۰۰	۱۰/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۳۲	برون‌گرایی خود	۲		
۰/۰۲	-۲/۳۴	-۰/۱۷	۰/۰۰۰				توافق‌پذیری خود			
۰/۰۰۰	۴/۹۶	۰/۳۷	۰/۰۰۰				اضطراب دلبستگی همسر			
۰/۰۰۰	-۴/۳۵	-۰/۳۷	۰/۰۰۰	۱۰/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۳۶	برون‌گرایی خود	۳		
۰/۰۵	-۱/۹۸	-۰/۱۵	۰/۰۰۰				توافق‌پذیری خود			
۰/۰۰۰	۴/۵۳	۰/۳۳	۰/۰۰۰				اضطراب دلبستگی همسر			
۰/۰۱	-۲/۵۶	-۰/۱۹	۰/۰۰۰				برون‌گرایی همسر			

بحث

پژوهش حاضر به بررسی رابطه ساده و نیز رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل پنج‌گانه شخصیت در دو سطح فردی و زوجی پرداخت. بررسی رابطه ساده ابعاد دلبستگی و عوامل پنج‌گانه شخصیت، اولین هدف این پژوهش بود. نتایج نشان دادند که بین اضطراب دلبستگی و روان‌رنجوری رابطه مثبت متوسط معناداری وجود دارد به‌طوری که هرچه روان‌رنجوری فرد بیشتر باشد، اضطراب دلبستگی نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج موریرا و همکاران (۱۹۹۸)، بیکستروم و هولمز (۲۰۰۱)، شافر (۲۰۰۱)، گالو و همکاران (۲۰۰۳)، نوفل و شیور (۲۰۰۶)، و دونلن و همکاران (۲۰۰۸) همسو بود. در این پژوهش رابطه اضطراب دلبستگی و دیگر عوامل شخصیتی معنادار بدست نیامد در حالی که سایر پژوهش‌ها به روابط معنادار دست یافتند. حجم نمونه در تحقیقات مذکور بسیار زیاد بوده و همان‌طور که نوفل و شیور (۲۰۰۶) نیز بیان کرده‌اند به علت حجم زیاد نمونه همبستگی‌های ناچیز نیز در این

پژوهش‌ها معنادار شده است. با این حال جهت ضرایب همبستگی غیرمعناداری که از اندازه تقریباً متوسطی برخوردارند با جهت ضرایب معادل آن‌ها در تحقیقات مذکور همسان است. عدم وجود رابطه بین وجدان‌گرایی و اضطراب دل‌بستگی با نتایج کلی تحقیقات پیشین (نوفل و شیور، ۲۰۰۶) همسو است. به علاوه نوفل و شیور (۲۰۰۶) با مطالعه پژوهش‌هایی که رابطه دو سازه سبک دل‌بستگی و شخصیت را بررسی کرده‌اند، نشان دادند که رابطه اضطراب دل‌بستگی با سه بعد دیگر (توافق‌پذیری، برون‌گرایی، و وجدان‌گرایی) از اهمیت کمتری برخوردار است. ضرایب همبستگی اندک و غیرمعنادار این عوامل و اضطراب دل‌بستگی در این پژوهش با نتیجه‌گیری این محققان همخوان است.

در بررسی رابطه اجتناب دل‌بستگی با عوامل شخصیت، یافته‌ها نشان دادند که بین اجتناب دل‌بستگی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، و وجدان‌گرایی رابطه منفی معنادار وجود دارد ولی با تجربه‌گرایی رابطه ندارد. چنین نتایجی در تحقیق گالو و همکاران (۲۰۰۱) نیز تکرار شده است. رابطه اجتناب دل‌بستگی با روان‌رنجوری مثبت ولی غیرمعنادار بود. نوفل و شیور (۲۰۰۶) نیز ادعا دارند که در برخی تحقیقات، نه در همه، اجتناب دل‌بستگی رابطه مثبت با روان‌رنجوری دارد. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد معناداری ضریب همبستگی در این پژوهش‌ها به حجم نمونه مربوط است. هم‌چنین نتایج نشان دادند که رابطه روان‌رنجوری با اضطراب دل‌بستگی بیش از رابطه آن با اجتناب دل‌بستگی است. این یافته در تحقیقات پیشین نیز مشاهده شده است (نوفل و شیور، ۲۰۰۶؛ ویگاردزدومبیچ و همکاران، ۲۰۰۷).

بررسی نقش عوامل پنج‌گانه شخصیت در پیش‌بینی سبک دل‌بستگی در سطح فردی دومین هدف این پژوهش بود. نتایج نشان دادند که اضطراب دل‌بستگی عمدتاً توسط روان‌رنجوری فرد پیش‌بینی می‌شود. روان‌رنجوری زیربنای تجربه هیجانات ناراحت‌کننده است (بوژارد، لوسیر، سیورین، ۱۹۹۹) و شامل رویه‌های اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، کمرویی، تکانشگری و آسیب‌پذیری است (پروین و جان، ۲۰۰۱؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). رابطه اضطراب دل‌بستگی با روان‌رنجوری به هیجان‌خواهی منفی در این دو متغیر مربوط می‌شود (موریرا و همکاران، ۱۹۹۹). هسته اصلی اضطراب دل‌بستگی، اضطراب، نگرانی، و ترس از طرد شدن، ترک شدن، و دوست داشتنی نبودن (سیلی و اوورال، ۲۰۰۸؛ رولز و سیمپسون، ۲۰۰۴) و تحریک‌پذیری نسبت به نشانه‌های تهدید است (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷). هم‌چنین اضطراب دل‌بستگی با رویه افسردگی روان‌رنجوری رابطه دارد. بارتولومئو بعد اضطراب دل‌بستگی را معادل «مدل منفی خود» مفهوم‌سازی کرده است (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۳). در نظریه شناخت‌درمانی دیدگاه منفی درباره خود و عقاید شخصی از جمله «من دوست داشتنی نیستم» و «اگر دیگران مرا دوست نداشته باشند، پس من بی‌ارزشم» هسته اصلی افسردگی است (شارف، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۱).

هم‌چنین نتایج در سطح فردی نشان دادند که از بین عوامل پنج‌گانه شخصیت، برون‌گرایی و پس از آن توافق‌پذیری بیشترین واریانس اجتناب‌دلبستگی را تبیین می‌کند به طوری که با کاهش برون‌گرایی و توافق‌پذیری، اجتناب‌دلبستگی افزایش می‌یابد. برون‌گرایی با عواطف مثبت و صفاتی مانند جمع‌گرایی، فعالیت، جرأت‌مندی، هیجان‌خواهی مثبت، خونگرمی، پرحرفی، خوش‌مشربی، خوش‌بینی، و مهربانی همراه است. توافق‌پذیری نیز به خوش‌قلبی، خوش‌خلقی، قابلیت اعتماد، حس همکاری، گذشت، و خوش‌باوری مربوط است (پروین و جان، ۲۰۰۱؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). هر دو این صفات، قطب مخالف اجتناب‌دلبستگی‌اند. با افزایش اجتناب‌دلبستگی، سردی هیجانی، ناراحتی از نزدیکی و خودافشایی (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸) و تمایل به حفظ اقتدار (وینگاردز دو میچ و همکاران، ۲۰۰۷) افزایش یافته و در مقابل همدلی، بخشودگی و نوع‌دوستی کاهش می‌یابد (گیلاث، بانگ، شیور، ویدلکن، و میکالینسر، ۲۰۰۵).

هدف سوم در این پژوهش بررسی ابعاد دلبستگی در قالب رویکرد زوجی بود. بدین ترتیب علاوه بر نقش عوامل شخصیت خود فرد، نقش شخصیت و سبک دلبستگی همسر نیز مدنظر قرار داده شد. در سطح زوجی نتایج نشان داد که اضطراب دلبستگی عمدتاً توسط روان‌رنجوری خود و اجتناب دلبستگی همسر تبیین می‌شود. هم‌چنین اجتناب دلبستگی توسط برون‌گرایی خود، اضطراب دلبستگی همسر و برون‌گرایی همسر تبیین می‌شود.

نتایج نشان دادند که از منظر زوجی، اجتناب دلبستگی همسر بیش از دیگر ویژگی‌های همسر می‌تواند اضطراب دلبستگی فرد را پیش‌بینی کند، به طوری که با افزایش اجتناب دلبستگی همسر، اضطراب دلبستگی فرد افزایش می‌یابد. این یافته با مبانی نظری نظریه دلبستگی همخوان است. با در نظر داشتن مدل فعالیت و پویایی‌های نظام دلبستگی شیور و میکالینسر (۲۰۰۳، ۲۰۰۷)، با افزایش اجتناب دلبستگی همسر، بی‌تفاوتی، اجتناب از صمیمیت، عدم حمایت و مراقبت، و سردی هیجانی همسر افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی وقتی فرد با موقعیت تهدیدکننده‌ای روبه‌رو می‌شود، همسر را ارزیابی کرده و او را به عنوان یک منبع دلبستگی، در دسترس و پاسخگو نمی‌یابد. نتایج نشان دادند که در سطح زوجی، روان‌رنجوری فرد هم‌چنان اضطراب دلبستگی او را پیش‌بینی می‌کند. دیکسترا و بارلدز (۲۰۰۸) معتقدند، افراد روان‌رنجور نگرانند که در حد انتظارات همسران نبوده، و می‌ترسند که نکند کسی نباشند که همسر در جستجوی او بوده، و در مورد ارزش شخصی خود به عنوان همسر دچار تعارض می‌شوند. این وضعیت نایمن به فرد فشار می‌آورد تا در مورد رفتار صمیمیت‌جویی تصمیم بگیرد. بدین ترتیب وقتی صمیمیت‌جویی برای فرد به دلایل سرشتی و شخصیتی یک نیاز اساسی نیز باشد، راهبردهای دلبستگی بیش فعال‌سازی را به کار می‌گیرد. در این حالت فرد نسبت به نشانه‌های تهدید گوش به زنگ بوده و آستانه یافتن نشانه‌های عدم در دسترس

بودن و عدم پاسخگویی همسر کاهش می‌یابد. بدین ترتیب نظام دل‌بستگی به طور مزمّن و مداوم فعال گشته و اضطراب دل‌بستگی فرد افزایش می‌یابد.

از سویی دیگر نتایج این تحقیق نشان داد که در سطح زوجی، اضطراب دل‌بستگی و برون‌گرایی همسر بیش از دیگر ویژگی‌های همسر می‌تواند، اجتناب دل‌بستگی را پیش‌بینی کند به طوری که با افزایش اضطراب دل‌بستگی همسر و کاهش برون‌گرایی او، اجتناب دل‌بستگی افزایش می‌یابد. این یافته و یافته قبلی مبنی بر سهم عمده اجتناب دل‌بستگی همسر در تبیین اضطراب دل‌بستگی، دو روی یک سکه‌اند. با افزایش اضطراب دل‌بستگی همسر رفتارهایی که حاکی از نگرانی نسبت به طرد و ترک شدن است افزایش یافته و نیاز به روابط باز، وابستگی، اطمینان‌جویی از ارزش شخصی، و نیز در دسترس بودن و پاسخگویی همسر بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی وقتی فرد با موقعیت تهدیدکننده‌ای روبه‌رو می‌شود، همسر را ارزیابی کرده و او را منبع ایمنی نمی‌یابد. هم‌چنین درون‌گرایی فرد (قطب مخالف برون‌گرایی) به عنوان یک ویژگی شخصیتی، و نیز درون‌گرایی همسر یا به عبارتی کاهش خونگرمی و خوش‌مشربی و احساس وابستگی به دیگران (دیکسترا و بالدز، ۲۰۰۸) در ترکیب با اضطراب دل‌بستگی همسر باعث می‌شود که فرد از رفتارهای صمیمیت‌جویی صرف‌نظر کرده و در نتیجه راهبردهای نافع‌سازی به کار گرفته شود. در این حالت فرد از تهدیدها و نشانه‌های مربوط به دل‌بستگی صرف نظر کرده و افکار و هیجانات مربوطه را سرکوب نموده و سعی می‌کند که وابستگی خود به دیگران را کاهش داده و بیشتر به خود متکی باشد.

به طور کلی با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش می‌توان به نتایج جالب توجهی دست یافت. در سطح فردی، ابعاد دل‌بستگی با صفات شخصیتی همپوشی نشان می‌دهند. در نتیجه همان‌طور که دونلن و همکاران (۲۰۰۸) نیز بیان داشته‌اند از آن‌جا که صفات شخصیت بیشتر تحت تأثیر ژنتیک است، بنابراین همپوشی سبک دل‌بستگی و شخصیت می‌تواند به عوامل ژنتیک مشترک بین این دو سازه مربوط باشد. از سویی دیگر با رویکرد زوجی و در نظر داشتن بافت ارتباطی و ویژگی‌های همسر، مشخص شد که شخصیت فرد همراه با ویژگی‌های همسر (عوامل شخصیت و ابعاد دل‌بستگی) در تبیین سبک دل‌بستگی فرد نقش دارد. به عبارت دیگر بخشی از واریانس ابعاد دل‌بستگی به ویژگی‌های ژنتیک مربوط است و بخشی نیز به عوامل محیطی و به‌ویژه عوامل خاص فردی و تجارب فرد در روابط نزدیک مربوط می‌شود. بنابراین می‌توان گفت سبک دل‌بستگی هم جزء ویژگی افراد و هم جزء ویژگی روابط است. بدین ترتیب شواهد حاصل از این پژوهش از لحاظ نظری مکمل تأکید نظریه‌پردازان دل‌بستگی بر علل اجتماعی سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان است. اسکاچنر و همکاران (ترجمه بهرامی و همکاران، ۱۳۸۸) نظریه دل‌بستگی را نظریه پویایی فرد - زوج معرفی می‌کنند که در آن سبک دل‌بستگی بزرگسالان یک شبه خصیصه فردی دانسته شده که در عین حال بازتابی از تجربیات ارتباطی فرد نیز می‌باشد. به‌علاوه با آن‌که سبک دل‌بستگی تا حدی ثابت دانسته شده است

ولی عوامل مختلفی بر تغییر آن در طول زمان تأثیر می‌گذارند (شارف، ترجمه بهرامی و همکاران، ۱۳۸۸). بر اساس نتایج این تحقیق احتمالاً بافت ارتباطی و عوامل شخصیتی و سبک دلبستگی همسر یکی از دلایل تغییر دلبستگی در بزرگسالان است.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------|--|
| 1. Ainsworth | 12. Neuroticism |
| 2. Multidimensional | 13. Extraversion |
| 3. Categorical | 14. Openness |
| 4. Bartholomew | 15. Agreeableness |
| 5. Attachment anxiety | 16. Conscientiousness |
| 6. Model of self | 17. Person-specific level |
| 7. Attachment avoidance | 18. Experiences in Close Relationships-Revised Questionnaire |
| 8. Model of partner | 19. Item-Response Theory |
| 9. Rejection | 20. NEO Five-Factor Inventory |
| 10. Abandonment | |
| 11. unlovability | |

منابع

- اسکاجنر، دی. ی.، شیور، اف. آر. و میکالینسر، ام. (۱۳۸۸). مروری بر نظریه دلبستگی بزرگسالان، روان‌پویایی، ارتباطات زوجین. در اس. ام. جانسون، و وی. ای. ویفن (گردآورندگان)، *فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*. (ترجمه ف. بهرامی و همکاران)، (ص ۸۲-۴۵). تهران: دانژه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵)
- بطلانی، س. (۱۳۸۷). تأثیر زوج‌درمانی مبتنی بر نظریه دلبستگی بر رضایت و صمیمیت جنسی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- پروین، ل. ا.، و جان، ا. بی. (۱۳۸۶). *شخصیت: نظریه و پژوهش* (ترجمه م. ج. جوادی، و پ. کدیور). تهران: آییژ. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- شارف، آر. اس. (۱۳۸۱). *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*. (ترجمه م. فیروزبخت). تهران: انتشارات رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰)
- شارف، ای. (۱۳۸۸). ثبات و تغییر اشکال دلبستگی ز گهواره تا گور. در اس. ام. جانسون، و وی. ای. ویفن (گردآورندگان)، *فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی* (ترجمه ف. بهرامی و همکاران)، (ص ۱۴۲-۱۱۵). تهران: دانژه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵)
- عطاری، ی.، امان‌الهی‌فرد، ع.، و مهرابی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۳(۱)، ۸۱-۱۰۸.
- کیامهر، ج. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

گال، ام، بورگ، وی، و گال، ج. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (ترجمه ا. ر. نصر و همکاران). تهران: انتشارات سمت. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۶)

نیلفروشان، پ، احمدی، س. ا، فاتحی زاده، م، عابدی، م. ر، و قاسمی، و. (۱۳۸۸). *بررسی پایایی و ساختار عاملی پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R)* (گزارش طرح پژوهشی). دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

- Baekstroem, M., & Holmes, B. M. (2001). Measuring adult attachment: A construct validation of two self-report instruments. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42, 79-86.
- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the Five-Factor Model of personality. *Journal of Marriage and Family*, 61(3), 651-660.
- Donnellan, M. B., Burt, S. A., Leventosky, A. A., & Klump, K. L. (2008). Genes, personality, and attachment in adults: A multivariate behavioral genetic analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(1), 3-16.
- Fairchild, A. J., & Finney, S. J. (2006). Investigating validity evidence for the experiences in close relationships-revised questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 66(1), 116-135.
- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 350-365.
- Gallo, L. C., Smith, T. W., & Ruiz, J. M. (2003). An interpersonal analysis of adult attachment style: Circumplex descriptions, recalled developmental experiences, self-representations and interpersonal functioning in adulthood. *Journal of Personality*, 71, 141-181.
- Gillath, O., Bunge, S. A., Shaver, P. R., Wedelken, C., & Mikulincer, M. (2005). Attachment-style differences in the ability to suppress negative thoughts: Exploring the neural correlates. *Neuro Image*, 28, 835-847.
- John, O. P., & Srivastava, S. (1999). The big five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.), *Handbook of personality, theory and research* (pp.102-139). New York: Guilford Press.
- McCrea, R. R., & Costa, P. T. (1999). A five-factor theory of personality. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.), *Handbook of personality, theory and research* (pp.139-153). New York: Guilford Press.
- McCrae, R. R. & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol.35). San Diego: Academic Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood*. New York: The Guilford Press.

- Moreira, J. M., Bernardes, S., Andrez, M., Aguiar, P., Moliero, C., & Silva, M. F. (1998). Social competence and adult attachment style in Portuguese sample. *Personality and Individual Differences, 24*(4), 565-570.
- Neyer, F. J., & Voigt, D. (2004). Personality and social network effects on romantic relationships: A dyadic approach. *European Journal of Personality, 18*, 279-299.
- Dijkstra, P., & Barelds, D. P. H. (2008). Self and partner personality and responses to relationship threats. *Journal of Research in Personality, 42*, 1500-1511.
- Nofle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality trait: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality, 40*, 179-208.
- Rholes, W. S., & Simpson, J. A. (2004). Attachment theory: Basic concepts and contemporary questions. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications* (pp.3-16). New York: Guilford.
- Schmitz, N., Hartkamp, N., Baldini, C., Rollnik, J., & Tress, W. (2001). Psychometric properties of the German version of the NEO-FFI in psychosomatic outpatients. *Personality and Individual Differences, 31*, 713-722.
- Shafer, A. B. (2001). The big five and sexuality trait terms as predictors of relationships and sex. *Journal of Research in Personality, 35*, 313-338.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality, 39*, 22-45.
- Sibley, C. G., Fischer, R., & Liu, J. H. (2005). Reliability and validity of the revised Experiences in Close Relationships (ECR-R) self-report measure of adult romantic attachment. *Personality and Social Psychology Bulletin, 31*(11), 1524-1536.
- Sibley, C. G., & Overall, N. C. (2008). The boundaries between attachment and personality: Localized versus generalized effects in daily social interaction. *Journal of Research in Personality, 42*, 1394-1407.
- Wijngaards-de Meij, L., Stroebe, M., Schut, H., Stroebe, W., Bout, J., Heijden, P., & Dijkstra, I. (2007). Neuroticism and attachment insecurity as predictors of bereavement outcome. *Journal of Research in Personality, 41*, 498-505.